

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته



به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

سپاه مسادت
در مقابل امامت

۲۲ فروردین ۱۳۸۶
۲۲ ربیع الاول ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

« قال الله الحكيم في محكم كتابه الكريم أعوذ بالله من الشيطان الرجيم » ،

﴿ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ﴾^(۱) .

و از آنان امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند ، چون

شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند .

یادآوری گفتارهای گذشته :

در رابطه با آیات ولایت و امامت مباحث مهم و عمیقی را بیان کردیم . و از

آیات شریفه این مطلب را استفاده نمودیم که منصب و جایگاه امامت مجعول به

جعل الهی است و انتخاب امام عَلَيْهِ السَّلَامُ از دایره اختیار و انتخاب انسانها خارج است .

در رابطه با جایگاه و مقام امامت روایت پر معنی و قابل تأملی وجود دارد

۱ - سورة سجده ، آیه ۲۴ .

که بخشی از آن را بیان می‌کنیم.

یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام می‌گوید: در مرو جلسه‌ای برگزار شده بود و سخن از ائمه، مقام و جایگاه آنان به میان آمد و هر کس در این رابطه سخنی می‌گفت. پس از جلسه خدمت امام رضا علیه السلام شرفیاب و نظر ایشان را جویا شدم، امام علیه السلام فرمودند:

« جهل القوم و خدعوا عن آرائهم ... انّ الإمامة أجلّ قدراً و أعظم شأناً و أعلا مكاناً و أمتع جانباً و أبعد غوراً من أن يبلغها الناس بعقولهم أو ينالوها بآرائهم أو يقيموا إماماً باختيارهم ... الإمام كالشمس الطالعة المسجلّة بنورها للعالم وهي في الافق بحيث لا تنالها الأيدي والأبصار ... الإمام واحد دهره لا يدانيه أحد»^(۱).

آنان به مقام امام جاهل هستند و نظراتشان اشتباه است ... جایگاه و منصب امامت بزرگتر، جلیل‌تر، عمیق‌تر، سنگین‌تر و غیر قابل دسترس‌تر از آن است که عده‌ای با اندیشه و افکار و آراء خودشان راجع به آن سخن بگویند و امام انتخاب نمایند ... امام همانند آفتابی است که جهان را روشن کرده و نور افشانی می‌کند و کسی امکان دسترسی به آن را ندارد ... امام یگانه روزگاران است و کسی توان و یارای نزدیک شدن به او را ندارد.

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۱۹۸.

تشبیه امام علیه السلام به آفتاب، چرا؟

یکی از تشبیهات و نکات ظریفی که امام علیه السلام در این روایت جالب بیان فرموده‌اند چنین است: «الإمام كالشمس الطالعة» ایشان امام علیه السلام را به آفتاب تشبیه می‌نمایند. آفتابی که به همه عالم می‌تابد و تمام مخلوقات از نور و حرارت آن بهره‌مند می‌گردند. تابش آفتاب چه آثار و ثمراتی برای موجودات دارد؟ و آدمیان چه بهره و حظی از آن می‌برند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الناس معادن كمعادن الذهب والفضة»^(۱).

انسانها همانند معادن طلا و نقره هستند.

تابش خورشید نیروهای بالقوه معادن را به فعلیت می‌رساند. هر معدنی که بیشتر و بهتر در معرض تابش خورشید قرار گیرد، ارزشمندتر و گرانبها‌تر خواهد شد، بی جهت یک سنگ، طلا، نقره و ... نمی‌شود باید سالها و قرنهای متمادی از خورشید بهره‌گیرند تا به فعلیت برسند و قابل استفاده گردند.

سالها باید که تا یک سنگ اصلی زآفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن

بنابر فرموده امام علیه السلام، انسانها همانند معادن می‌باشند و باید در معرض

۱- کافی، جلد ۸ صفحه ۱۷۷.

نور امامت و ولایت قرار بگیرند تا قدرتها و نیروهای بالقوه آنان ظهور کند و به فعلیت برسد. اگر تابش نور ولایت و امامت ارواح انسانها را نوازش کند و بر قلبهای آنان بتابد اندرون انسانها همچون گوهری تابناک می‌گردد.

در سرتاسر گیتی انسانهای فراوانی زیسته‌اند که در معرض تابش نور ولایت قرار نگرفته‌اند. در نتیجه همانند سنگ‌های بی ارزشی بودند که مورد توجه قرار نگرفتند. اما کسانی که در معرض نور ولایت قرار گرفتند همچون گوهرهای درخشان و گران قیمت در سرتاسر تاریخ می‌درخشند، همانند زهیر ابن قین، سلمان فارسی، ابوذر و دیگر صحابه حضرات معصومین علیهم‌السلام و افراد دیگری که در عصر غیبت حضرت بقیه الله عجل الله فرجه الشریف خود را در معرض نور و تابش خورشید ولایت قرار دادند و بهره‌ها بردند.

امام علیه‌السلام، یگانه روزگاران:

امام رضا علیه‌السلام در مورد امام علیه‌السلام تعبیر زیبای دیگری به این بیان دارند:

«الإمام واحد دهره لا يدانیه أحد».

امام یگانه روزگار است و هیچ کس به ایشان نزدیک نمی‌شود

[توانایی نزدیک شدن به ایشان را ندارد].

دهر و زمان دو کلمه‌ای است که برای گذر زمان بکار برده می‌شود با این

تفاوت که دهر اعم از زمان است.

مرحوم میرداماد رحمته الله علیه می‌فرماید: دهر ظرف مجرّدات است و زمان ظرف مادّیات^(۱). به این معنی که اگر بخواهیم گذر زمان در مجرّدات و هر آن چیزی که به مادّیات تعلّق ندارد را بیان نماییم می‌گوییم دهر، امّا برای بیان گذر زمان در مادّیات از کلمهٔ زمان استفاده می‌کنیم.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

﴿ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ ﴾^(۲).

آیا مدتی از روزگار بر انسان گذشت.

در این آیهٔ شریفه کلمه دهر بکار رفته است، در نتیجه روشن می‌شود، انسانها پیش از نزول به عالم ماده و دنیا، در عالم مجرّدات بوده‌اند، لذا در حدیث شریف آمده است که امام علیه السلام یگانه دهر و روزگاران می‌باشد و کسی یارای نزدیکی به او را ندارد.

برگزیدگان خداوند:

خداوند می‌فرماید: ما منصب و مقام امامت را جعل کردیم و به برگزیدگانمان اعطاء می‌کنیم این منصب، مقام «اصطفاء واجتباء» می‌باشد. در قرآن کریم تعبیر فوق و مشتقات آن فراوان بکار رفته است:

۱ - شرح منظومه سبزواری، جلد ۲ صفحه ۲۹۰ - ۲۸۹.

۲ - سورهٔ انسان، آیه ۱.

﴿ اِصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا ﴾ (۱).

ما او را در دنیا برگزیده‌ایم.

﴿ فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ ﴾ (۲).

پروردگارش او را برگزید.

انتخاب و گزینش افرادی که شایستگی امامت را دارند بدست خداوند است. خداوند متعال در میان مخلوقات برگزیدگانی دارد که امر خطیر و حیاتی رهبری و هدایت جامعه را به عهده آنان گذارده است. امام عَلَيْهِ السَّلَام با اتصال به سرچشمه بی کران دانش و وظیفه تبیین معارف را نیز به عهده دارد. در واقع سعادت هر فرد و جامعه‌ای در گرو عمل به معارف الهی است و این مهم توسط امام عَلَيْهِ السَّلَام به انسان می‌رسد. اگر هیچ دلیل عقلی و نقلی برای انتخاب امام عَلَيْهِ السَّلَام از طرف خداوند هم نبود، بزرگی و حیاتی بودن این امر که بطور مستقیم با سرنوشت ابدی بشریت مرتبط است برای اثبات مدعا کافی بود.

خداوند می‌فرماید:

﴿ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ﴾ (۳).

به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم.

خداوند متعال از تمام موجودات و مخلوقات، انسانها را برگزید و به آنان

۱- سوره بقره، آیه ۱۳۰.

۲- سوره قلم، آیه ۵۰.

۳- سوره اسراء، آیه ۷۰.

کرامت بخشید و سپس از میان آنان افرادی را برای هدایت تمام مخلوقات برگزید. خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾^(۱).

خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید. اما متأسفانه برخی به فضل و برتری که خداوند به رسول الله ﷺ و خاندان او علیهم‌السلام داده است و آنان را بر تمام مخلوقات مقدم داشته و برتر دانسته است، حسادت می‌کنند.

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾^(۲).

یا اینکه نسبت به مردم [پیامبر و خاندانش] بر آنچه خداوند از فضلش به آنان بخشیده حسد می‌ورزند؟! ما به آل ابراهیم علیهم‌السلام (که یهود از خاندان او هستند نیز) کتاب و حکمت دادیم و حکومت عظیمی در اختیار آنها قرار دادیم.

فصل الهی:

عبارت «من فضله» یعنی خداوند از فضل و کرم خود به آنان بخشیده

۱ - سوره آل عمران، آیه ۳۳.

۲ - سوره نساء، آیه ۵۴.

است. حرف «مِن» به اصطلاح اهل ادب نشویّه می‌باشد. یعنی فضلی که از خداوند نشأت گرفته است. اگر خداوند از معدن عدل عنایاتی فرماید، امکان دارد جای سوّالی باشد، و کسی بگوید خداوند تو عادل‌تری چرا بخشش‌هایت نصیب دیگران می‌شود و من بی بهره‌ام. اما اگر خداوند از فضل و کرم خود عنایاتی را عطا نماید، جای پرسش وجود ندارد. تفضّل و کرامت سوّال ندارد.

از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند عدل بهتر است یا بخشش؟ ایشان فرمودند:

«العدل یضع الأمور مواضعها، والجدود یخرجها من جهتها»^(۱).

عدالت همه چیز را به جای خود می‌نهد، اما بخشش آن را از سمت و سویش خارج می‌سازد.

اگر خداوند بخشش به جهانیان را از راه عدالت اداره می‌کرد، جا برای سوّال وجود داشت. اما اگر خداوند با جود و کرم خود جهان را اداره بکند، جایی برای پرسش وجود ندارد، لذا خداوند کوهی را به کاهی می‌بخشد و با یک دعای کوتاه، گناهان بزرگی را می‌آمرزد، اگر خداوند بخواهد از جایگاه عدالت، آدمیان را محاسبه نماید، حساب سختی در پیش خواهند داشت به همین دلیل می‌گوییم:

«اللّهم عاملنا بفضلک ولا تعاملنا بعد لک»^(۲).

خداوند با فضل و کرم خود با ما رفتار کن نه با عدل.

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار ۴۳۷.

۲- شرح کافی، جلد ۱۰ صفحه ۲۱۴.

خداوند برگزیدگانی دارد و از فضل و کرم خود به آنان مواهبی را عنایت نموده است و جایی برای پرسش و اعتراض وجود ندارد.

﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ﴾^(۱).

این فضل خدا است به هر کس که بخواهد (و شایسته ببیند) عطا می‌نماید.

یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام در مورد تفسیر عبارت «أولى الأمر» در آیه ۵۹ سوره نساء^(۲) از حضرت سؤال نمود.

امام علیه السلام فرمودند:

« أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ﴾^(۳) يقولون لأئمة الضلالة والدعاة إلى النار هؤلاء أهدى من آل محمد سبيلاً ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا﴾ * أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ ﴾ يعني الإمامة والخلافة ﴿فَإِذَا لَأ يُؤْتُونَ النَّاسَ نَصِيرًا﴾ * أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴾^(۴) ... جعلنا منهم الرسل والأنبياء

۱ - سوره مائده، آيه ۵۴.

۲ - ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾.

۳ - سوره نساء، آيه ۵۱.

۴ - سوره نساء، آيات ۵۲ - ۵۳ - ۵۴.

والأئمة فكيف يقرّون به في آل إبراهيم عليه السلام وينكرونه في آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم» (۱).

امام عليه السلام در پاسخ از آیات قرآن کریم بهره می‌گیرند، و می‌فرمایند (آیا احوال کسانی را که بهره‌ای از کتاب آسمانی دارند، ندانسته‌ای که به جبت و طاغوت ایمان می‌ورزند و درباره کافران می‌گویند که اینان از مؤمنان بیشتر هدایت یافته‌اند) می‌گویند سردمداران گمراهی و دعوت‌کنندگان به آتش از آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم هدایت یافته‌تراند. (اینان کسانی هستند که خداوند لعنتشان کرده است و کسی که خدا لعنتش کرده باشد یاوری برایش نخواهی یافت * یا مگر آنان را بهره‌ای از فرمانروایی - یعنی امامت و خلافت - است که باز هم به اندازه ذره ناچیزی به مردم نمی‌بخشند * یا اینکه نسبت به مردم (پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم و خاندانش عليه السلام) به آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده حسد می‌ورزند؟! ما به آل ابراهیم عليه السلام (که یهود از خاندان او هستند نیز) کتاب و حکمت دادیم و حکومت عظیمی در اختیار آنها قرار دادیم). و از میان آنان رسول و پیامبر و امام قرار دادیم. پس چگونه است که ایمان و اعتراف به امامت در آل ابراهیم عليه السلام دارند و امامت آل

محمد ﷺ را انکار می‌کنند و نمی‌پذیرند.

حسادت ریشه گمراهی:

چرایی انکار فضایل برگزیدگان خداوند و علت ایمان به جبت و طاغوت و پیمودن مسیر و راه اشتباه را خداوند متعال حسادت می‌داند. به این آیات توجه کنید: ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ﴾^(۱) آیه با کلمه حسد آغاز شده است و علت نافرمانی‌ها در مقابل افراد برگزیده را حسادت دانسته است.

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّوْكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ﴾^(۲).

بسیاری از اهل کتاب بخاطر حسادتی که در دل دارند، خوش دارند که شما را پس از ایمانتان کافر گردانند.

بسیاری از اهل کتاب بر کفار و مشرکین فخر فروشی می‌کردند و می‌گفتند شما کافر هستید و خداوند را قبول ندارید، اما ما خداوند و پیامبر را قبول داریم و اهل کتاب هستیم. و چون می‌دانستند که پیامبر آخر الزمان به یثرب (مدینه) خواهد آمد، به اطراف مدینه آمدند و در آنجا ساکن شدند، همانند یهودیان قلعه

۱- سوره نساء، آیه ۵۴.

۲- سوره بقره، آیه ۱۰۹.

خیبر و بنی قریظه. آنها می‌خواستند نخستین قوم و افرادی باشند که به پیامبر آخر الزمان ایمان می‌آورند. اما هنگامی که متوجه شدند کفار و مشرکین زودتر از خودشان به پیامبر ﷺ ایمان آورده‌اند و پیامبر آنان پیامبر ﷺ خاتم است و بر تمام پیامبران فضیلت دارد ناراحت شدند و حسادت دل‌های آنان کور کرد و علیه مسلمانان شروع به توطئه کردند.

خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ﴾^(۱).

بگو همانا پروردگارم نا شایستیه‌ها را، چه آشکار باشد و چه پنهان، حرام کرده است.

این آیه ناظر به حرمت هر نوع انحراف از مسیر مستقیم می‌باشد. برخی از

روایات، تفسیر ﴿مَا بَطَّنَ﴾ را حسادت بیان کرده‌اند^(۲).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«آفة الدین الحسد والعجب والفخر»^(۳).

حسادت، راضی بودن از خود و فخر فروشی آفت دینداری است.

عُجْب یعنی از خود راضی بودن مثلاً شخصی با خواندن دو رکعت نماز

مستحبی فکر کند مؤمنترین فرد است.

۱- سوره اعراف، آیه ۳۳.

۲- بحار الانوار، جلد ۷۰ صفحه ۲۶۱.

۳- کافی، جلد ۲ صفحه ۲۰۷.

شیطان بخاطر حسادت از بارگاه الهی رانده شد. سجده‌های شیطان چهار

هزار سال به طول می‌انجامد اما،

﴿فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ﴾^(۱).

از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد.

و با خداوند استدلال و محاجّه کرد و گفت من بر غیر تو سجده نمی‌کنم و

هیچ وقت برتر به پست احترام نمی‌گذارد.

﴿أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾^(۲).

من بهتر از او هستم چرا که مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل.

اینها موارد آموزنده‌ای است که باید از آن درس بگیریم.

از اهل کتاب و یهودیان، کسانی که به حسب ظاهر نیز مسلمان شده بودند

در واقع به جبت و طاغوت ایمان آورده بودند. اما اصحاب خاصّ حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام غالباً اهل کتاب نبودند و در گذشته کافر و مشرک بودند همانند

ابو ذر، عمّار و زبیر و ...

تفاوت حسادت با غبطه:

حسادت یعنی آرزوی زوال نعمات دیگران را داشتن. و با غبطه تفاوت دارد

۱ - سوره کهف، آیه ۵۰.

۲ - سوره اعراف، آیه ۱۲.

زیرا صاحب غبطه خواهان زوال نعمت دیگران نیست و آرزو می‌کند ای کاش همانند دیگران از نعمات بهره‌مند می‌شد^(۱). حسد یک بیماری روحی می‌باشد و باید آنرا علاج کرد.

می‌گویند: شخصی گاوی را می‌خواست به دوستش هدیه بدهد، به نزد او رفت، دوستش گفت: این بزغاله چیست؟ آن شخص گفت: می‌خواهم گاو را به تو هدیه بدهم و این بزغاله را به همسایه‌ات. آن فرد گفت: نه گاو را به من هدیه کن و نه بزغاله را به همسایه.

نقل می‌کنند: شخصی، همسایه‌ای داشت که در ناز و نعمت فراوانی می‌زیست. آن شخص، به همسایه‌اش بسیار حسادت می‌ورزید. تا اینکه ناچار شد، غلامی را خرید و به او گفت هر چه می‌خواهی به تو می‌دهم به این شرط که مرا در پشت بام همسایه‌ام بکشی و قتل را به گردن همسایه بیندازی! انسان حسود عقل خود را از دست می‌دهد.

عقدہ‌های درونی و آثار آن:

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«ما من رجل تکبر أو تجبر إلا لذتة وجدها في نفسه»^(۲).

۱ - مجمع البحرین، جلد ۳ صفحه ۳۶.

۲ - بحار الانوار، جلد ۷ صفحه ۲۲۵.

هیچ کس تکبر و آمریت نمی‌کند مگر اینکه در اندرونش خود را خوار و ذلیل می‌بیند.

بلند پروازیه‌ها، تکبرها و ستمگری‌ها ریشه در احساس کمبود نفسانی دارد مؤمن احساس کمبود و خلاء نمی‌کند و آرزوی زوال نعمتهای دیگران را در سر ندارد. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«الحسد يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب»^(۱).

همانگونه که آتش، چوب را از بین می‌برد، حسادت، نیکی‌ها را. یکی از نخستین اثرات حسد، نفاق و دورویی می‌باشد. انسان حسود در ظاهر با افراد دوست است اما در رفاقت صادق نیست و در باطن آرزوی زیان او را دارد. انشاء الله خداوند ما را از شرور نفسمان نجات دهد.

راه نجات:

روشن شد که حسد ریشه بسیاری از گناهان است و بر اساس تعالیم اهل بیت علیهم السلام غلبه بر حسد موجب دوری از خسارت دنیا و آخرت است. هر کس به ائمه اطهار علیهم السلام پناه نبرد، بداند سر نوشتی جز تباهی و گمراهی نخواهد داشت. غاصبین خلافت رسول الله ﷺ حقوق امیرالمؤمنین علی را غصب کردند چون فضل الهی و برتری ایشان بر تمام اصحاب را نمی‌توانستند ببینند.

۱- بحار الانوار، جلد ۷۰ صفحه ۲۵۵.

همانطور که در سوره بقره تصریح شده است، جریان نفاق هنگامی که فهمید جانشین رسول الله ﷺ، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد، ریشه گرفت و رشد کرد.

خداوند متعال برگزیدگانی دارد، خدا چرا اینها را برگزیده است؟ چه ثمره‌ای در این اختیار و انتخاب است؟ آثار آن چیست؟ خداوند به آنان چه ویژگی‌هایی اعطاء کرده است؟ در سایه این انتخاب آنان دارای چه چیزهای می‌باشند؟ سرّ اینکه حکمت بالغه خداوند حکیم قادر چنین اقتضاء کرده است که در عالم خلقت برگزیدگانی داشته باشد چیست؟

انشاء الله در جلسات بعد به این پرسشها پاسخهای مناسبی می‌دهیم.
خداوند متعال نور معرفت، برگزیدگانش را به دل‌های ما بتاباند و همه ما را از شرور و وسوسه‌های نفسانی محافظت فرماید.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

به سوی معرفت ۶

۱۵

... روشن شد که حسد ریشه
بسیاری از گناهان است و بر اساس
تعالیم اهل بیت علیهم السلام غلبه بر حسد
موجب دوری از خسارت دنیا و
آخرت است. هر کس به ائمه
اطهار علیهم السلام پناه نبرد، بداند سر نوشتی
جز تباهی و گمراهی نخواهد داشت.
غاصبین خلافت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
حقوق امیرالمؤمنین علیه السلام را غصب
کردند چون فضل الهی و برتری ایشان
بر تمام اصحاب را نمی توانستند
بینند.

(صفحه ۱۷ از همین جزوه)

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه بیت حضرت آیت الله یثربی

تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۶

۲